

مروری بر نظریه نشانه شناسی پیرس

حامد گنجعلیخان حاکمی^۱

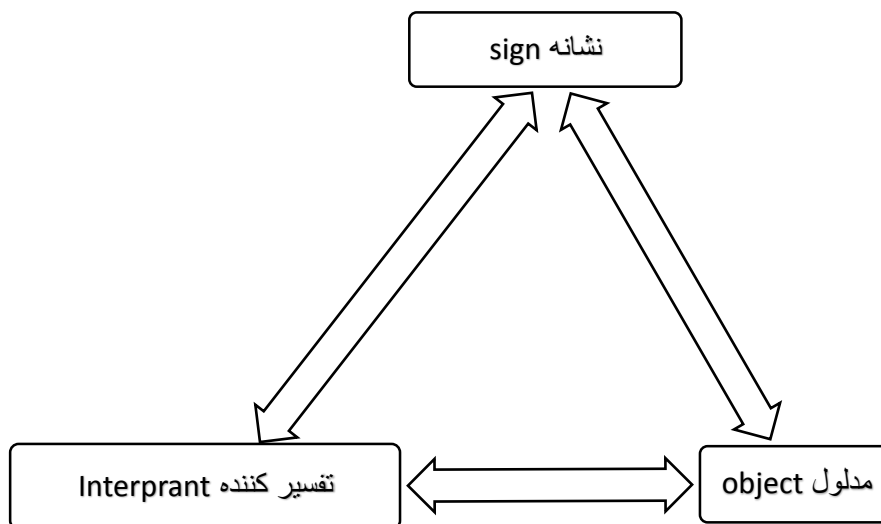
فهرست مطالب

۲ ساختار نشانه
۲ نشانه، مدلول نشانه و تفسیرکننده
۳ نشانه
۴ ویژگی نشانه پیرس
۴ تقسیم بندی انواع نشانه
۵ اولیت، ثانویت و ثالثیت
۶ ارتباط نشانه
۶ نشانه براساس ارتباط خودنشانه با نشانه
۶ نشانه براساس ارتباط نشانه با مدلول
۷ نشانه براساس ارتباط نشانه با تفسیرکننده
۷ اندیشه در نظام نشانه شناسی پیرس
۸ ابداکسیون
۹ نتیجه گیری و خلاصه
۹ مراجع

ساختار نشانه

نشانه، مدل‌ول نشانه و تفسیرکننده

از نظر پیرس هر نشانه دارای نسبتی سه‌گانه است که شامل خود نشانه^۲ مدل‌ول نشانه^۳ و تفسیرکننده^۴ است.



شکل ۱ ساختار نشانه

بر همین اساس، پیرس، سه تقسیم‌بندی از نشانه ارائه داد که نظام پایه‌ای سه مقوله‌ای هستی‌شناختی او را نشان می‌دهد. او به ترتیب این سه مقوله را **اولیت**^۵، **ثانویت**^۶ و **ثالثیت**^۷ نامید. او بنیانگذار نهضت فلسفی پراگماتیسم^۸ است. وی نظریه‌ای را صادق میدانند که مورد توافق دانشمندانی باشد که به مدت بی‌نهایت درباره مسأله خاصی تحقیق میکنند. صادق فقط آرمانی است که سعی در رسیدن به آن وجود دارد. مطابقت با واقعیت در تعریف صادق نقشی ندارد. برای پیرس معنای هر اندیشه به وسیله ارتباط سه‌گانه **شی**^۹، **نشانه**^{۱۰} و **تفسیرکننده**^{۱۱} تعیین می‌شود.

نشانه یا باز نمود چیزی است که به شخص یا چیزی دلالت می‌کند.

شی یا مدل‌ول همان چیزی است که نشانه و یا باز نمود ما به ازای آن است.

^۲ sign

^۳ object

^۴ interpretant

^۵ firstness

^۶ Secondness

^۷ Thirdness

^۸ Pragmaticism

^۹ object

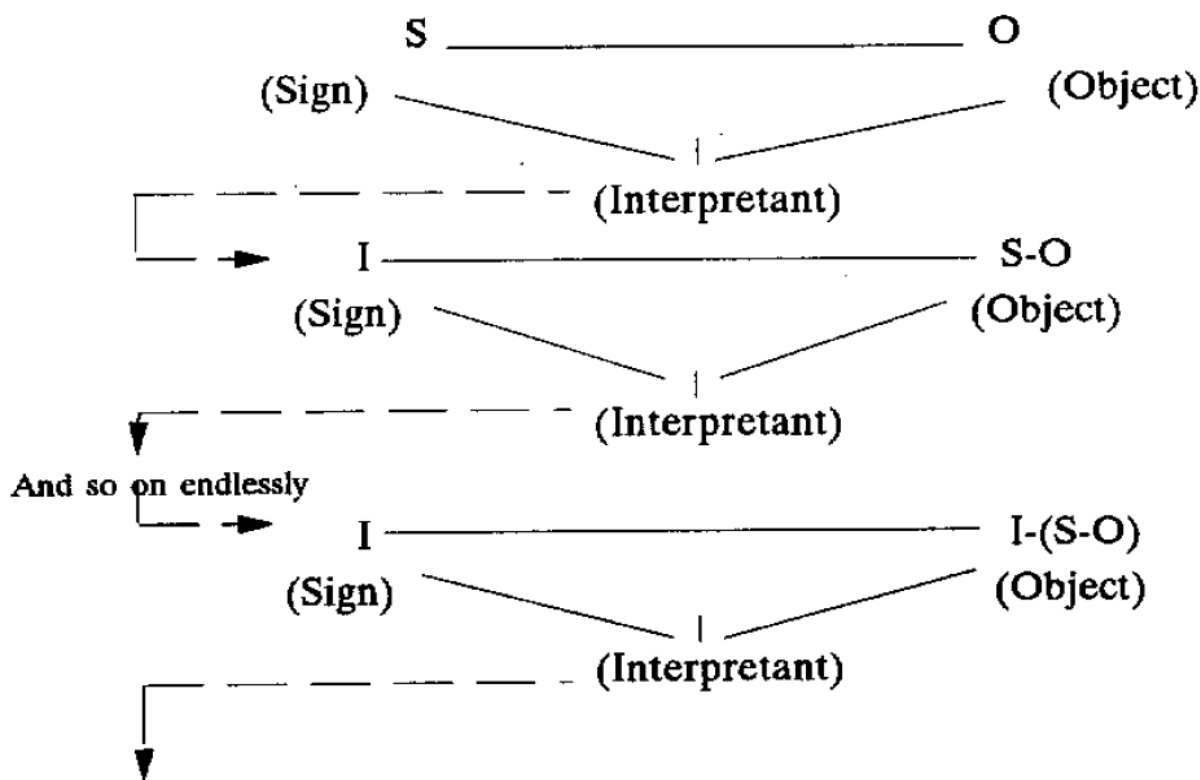
^{۱۰} Sign

^{۱۱} Interpretant

تفسیر کننده که غالباً آن را نشانه ذهنی می‌دانند، همان چیزی است که وقتی انسان با یک نشانه برخورد می‌کند، در ذهن او ایجاد می‌شود. تفسیر کننده شخص نیست؛ بلکه فکری است که در ذهن کسی ایجاد می‌شود؛ تفسیر کننده نوعی نتیجه است که می‌تواند به نوبه خود نشانه واقع شود و بدین گونه نشانه‌های دیگر به وجود آید.

نشانه

هر هویتِ حاملِ اطلاعی را **نشانه** گویند. آنچه را که پیرس نشانه می‌نامد عبارت است از هر چیزی که چیز دیگری را، یعنی تفسیر کننده‌اش^{۱۲} را تعیین کند تا به اشیای دلالت کند که خود به همان گونه به آن، یعنی به مدلولش^{۱۳} دلالت کند، تفسیر کننده به نوبه خود یک نشانه می‌شود و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد. یک ارتباط سه گانه نشانه، شی و تفسیر کننده، ملحوظ است که اولاً ارتباطی تکوینی است نه قراردادی و ثانياً حالت زایایی^{۱۴} دارد. چگونه تفسیر کننده یک نشانه، در ارتباط سه گانه - نشانه، شی، تفسیر کننده - در ارتباط سه گانه جدیدی که بوجود می‌آید، خود نشانه می‌شود و این سلسله ادامه می‌یابد.



شکل ۲ ارتباط سه گانه - نشانه، شی، تفسیر کننده

^{۱۲} Interpretant

^{۱۳} Object

^{۱۴} generative

ویژگی نشانه پیرس

- ۱- **کیفیت مادی داشته باشد؛** پیرس کیفیت مادی را محدود به طول و عرض و... نمی‌داند؛ بلکه منظور او هر کیفیتی است که شی من حیث هو و صرف نظر از ارتباطش با اشیای دیگر دارد.
- ۲- **کاربرد نشان دهنده داشته باشد؛** منظور پیرس از کاربرد نشان دهنده این است که دال و مدلول نوعی رابطه علی داشته باشند. یعنی مدلول باید بطور مستقیم و یا غیر مستقیم برای دال خود علت باشد. یا ارتباط علی آنها به گونه‌ای باشد که هم دال و هم مدلول یک علت مشترک داشته باشند.
- ۳- **به کسی چیزی نشان دهد؛** یعنی دال باید در ذهن کسی اندیشه ایجاد کند. به بیان دیگر اندیشه خود باید ایجاد اندیشه کند؛ یعنی اندیشه در ذهن ما تولید مثل کند.

تقسیم بندی انواع نشانه

تقسیم بندی کلی نشانه‌های زبانی به سه دسته:

۱. **نشانه تصویری،** که در آن، میان صورت و مفهوم آن شباهتی عینی و تقلیدی وجود دارد. مثلاً نقاشی از مار بر خود مار دلالت دارد.
 ۲. **نشانه طبیعی،** یا همان نشانه عقلی و طبیعی، نشانه‌ای است که میان صورت و مفهوم آن رابطه همجواری یا تماس هست. مثلاً رابطه دود و آتش و میان جای پا و رونده. این رابطه از نوع علیت است و فرق اساسی آن، با نشانه وضعی آن است که عمداً به قصد ایجاد ارتباط به وجود نیامده است.
 ۳. **نشانه وضعی،** یعنی نشانه‌ای که میان صورت و مفهوم آن، همچنان رابطه همجواری و پیوستگی هست؛ اما این رابطه قراردادی است نه ذاتی و خودبخودی، مانند دلالت نور قرمز در چهار راه به معنای عبور ممنوع. فقط دلالت نشانه‌های وضعی مسبوق بر آموزش و فراگیری است؛ زیرا نزد هر جماعتی به صورتی متفاوت با صورت رایج جماعت دیگر است.
- ممکن است، نشانه‌ها از گروهی به گروه دیگر بروند؛ مثلاً دود آن جا که دلیل آتش است از نشانه‌های طبیعی، ولی آن جا که نزد قبایل سرخ پوست نشانه اعلام جنگ یا خطر است، نشانه وضعی قلمداد می‌شود؛ زیرا مسبوق به قرارداد و آموزش و نیز به قصد ایجاد ارتباط است.

اولیت، ثانویت و ثالثیت

هر نشانه نسبتی سه گانی دارد که شامل خود نشانه، شی و تفسیر کننده‌اش است.

تفسیر کننده، می‌تواند به عنوان معنای نشانه تلقی شود. تفسیر کننده هر نشانه، نشانه‌ای دیگر است که به نوبه خود، تفسیر کننده یا تفسیر کننده‌هایی برای خود دارد. پیرس سه تقسیم‌بندی از نشانه بر اساس ویژگی سه گانی ارتباط نشانه‌ای، ارائه داد:

۱. ویژگی خود نشانه، کیفیت^{۱۵} یا **اولیت**^{۱۶} امکان یا کیفیت

۲. رابطه نشانه و مدلولش، نسبت^{۱۷} یا **ثانویت**^{۱۸} حقیقت

۳. نحوه‌ای که در آن تفسیر کننده، نشانه را به عنوان نشانه‌ای دیگر نشان می‌دهد. باز نمود^{۱۹} یا **ثالثیت**^{۲۰} قانون قلمرو

قوانین عمومی. ثالثیت ارتباط بین اولیت یا نشانه (باز نمود) را با ثانویت یا شی برقرار می‌کند. این تقسیم بندی نظام پایه‌ای سه مقوله‌ای هستی شناختی پیرس را نشان می‌دهد.

تجربه ما از این سه وجه وجود، احساسات؛ عکس العمل‌های حسی؛ و مفاهیم کلی یا عناصر ذهنی است. مقوله محوری برای پیرس ثالثیت است که قلمرو قوانین عمومی است. در این ارتباط سه گانی تفسیر کننده یا ثالثیت ارتباط بین اولیت یا نشانه (باز نمود) را با ثانویت یا شی برقرار می‌کند.

Law Thirdness ثالثیت قانون	Brute facts Secondness ثانویت - حقیقت	Quality Firstness کیفیت - اولیت	
Legisign قانون نشانه	Sinsign حقیقت نشانه	Qualisign کیف نشانه	Representamen Firstness باز نمود - اولیت
Symbol نماد	Index نمایه	Icon شمایل	Object Secondness ثانویت
Argument استدلال	Dicentsign دایسنت ساین	Rheme ریم	Interpretant Thirdness تفسیر کننده - ثالثیت

جدول ۱ اولیت، ثانویت و ثالثیت

^{۱۵} Quality

^{۱۶} Firstness

^{۱۷} Relation

^{۱۸} Secondness

^{۱۹} Representamen

^{۲۰} Thirdness

ارتباط نشانه

نشانه براساس ارتباط خودنشانه با نشانه

نسبت به ویژگی خود نشانه: کیف نشانه^{۲۱} - حقیقت نشانه^{۲۲} - قانون نشانه^{۲۳}. نشانه براساس ویژگی خودنشانه - نشانه می‌تواند یکی از این سه نوع باشد:

۱. **کیف نشانه:** پیرس نشانه را از لحاظ پدیدارشناسی و هستی‌شناسی نسبت به مقوله اولیت صرفاً یک کیفیت ذهنی می‌داند و آن را کیف نشانه می‌نامد. کیف نشانه نمی‌تواند یک نشانه واقعی باشد، مگر آنکه در ارتباط با مدلول (شی) و تفسیر کننده باشد؛ مانند رنگ سبز که صرفاً یک کیفیت است.

۲. **حقیقت نشانه:** یا مور^{۲۴} نشانه نسبت به مقوله ثانویت است که از واقعیت فیزیکی هستی‌دار برخوردار است. مانند علامت جاده در یک خیابان.

۳. **قانون نشانه:** یا نوع کلی^{۲۵} نشانه نسبت به مقوله ثالثیت، قانون نشانه نامیده می‌شود. قانون نشانه قانونی است که نشانه است و معمولاً توسط انسانها وضع می‌شود.

نشانه براساس ارتباط نشانه با مدلول

در ارتباط با شی: شمایل^{۲۶} - نمایه^{۲۷} - نماد^{۲۸}

۱. **شمایل^{۲۹}** در شمایل بین نشانه و مدلولش شباهت وجود دارد. مانند: عکس. در این نوع نشانه، نیازی به تفسیر کننده نداریم.

۲. **نمایه^{۳۰}** نمایه نشانه‌ای است که به مصداق وابسته باشد، اگر مصداق یا مدلول وجود نداشته باشد، نمایه نشانه محسوب نمی‌شود. به بیان دیگر رابطه دال و مدلول ضروری است و باید بین آنها یک رابطه علی و طبیعی پیدا کنیم. مثلاً دلالت دود بر آتش. در این گونه نشانه تفسیر کننده لازم نیست و رابطه دال و مدلول قراردادی نیست. مثالی که پیرس برای نمایه ارائه داده است، دیواری است که با گلوله سوراخ شده، ولی از خود گلوله در آن اثری نیست. پیرس می‌گوید: اثر گلوله حاکی از شلیک آن است.

^{۲۱} Qualisign

^{۲۲} Sinisign

^{۲۳} Legisign

^{۲۴} token

^{۲۵} general type

^{۲۶} Icon

^{۲۷} Index

^{۲۸} Symbol

^{۲۹} icon

^{۳۰} Index

۳. **نماد**^{۳۱} نشانه‌ای است که به تفسیر کننده نیاز داشته باشد. در نماد، رابطه دال و مدلول قراردادی و اختیاری است. مثلاً «رمز» چیزی است که براساس قرارداد است و برای فهمیدن آن باید براساس توافق قبلی آن را تفسیر کرد.

نشانه براساس ارتباط نشانه با تفسیرکننده

در ارتباط با تفسیر کننده: ریم^{۳۲} - دایسنت ساین^{۳۳} - استدلال^{۳۴}.

در این تقسیم بندی، نشانه، تفسیر کننده‌ای دارد که نشانه را به عنوان زیر تفسیر می‌کند.

۱. ریم یا امکان^{۳۴،۳۵}

۲. حقیقت^{۳۷} و استدلال^{۳۸}

۳. قانون^{۳۹}

اندیشه در نظام نشانه‌شناسی پیرس

در نشانه‌شناسی پیرس اندیشه‌ها هم نشانه هستند. اگر بخواهیم اندیشه‌ها را بفهمیم باید آنها را تفسیر کنیم. نشانه زمانی به عنوان اندیشه دارای نقش است که تفسیر شود. آنچه که از تجربه حاصل می‌شود نشانه‌های ناآگاهانه‌ای هستند که بتدریج به آگاهی می‌رسند و زمانی که با نشانه‌های دیگر ارتباط پیدا می‌کنند، قابل درک می‌شوند. او همه نشانه‌ها را وابسته به نشانه‌های دیگر می‌داند. چون در نظر او افکار و اندیشه‌ها نیز نشانه هستند؛ برای این که بتوانیم از فکر و اندیشه‌ای استفاده کنیم، باید اندیشه‌ای داشته باشیم که آن اندیشه را تفسیر کند. انسان اندیشه‌های قبلی را بکار می‌گیرد، آنها را تبیین می‌کند و بهترین تبیین و تفسیر را انتخاب می‌کند و برای این کار از ابداکسیون استفاده می‌کند. پیرس اصطلاح ابداکسیون را در مقابل قیاس^{۴۰} و استقرا^{۴۱} وضع کرده و بهترین راه فهم آن مقایسه قیاس و استقرا می‌باشد.

استنتاج بهترین تبیین^{۴۲} از نظر پیرس از بنیانی‌ترین استدلال‌هایی است که انسانها بدان متوسل می‌شوند و با استفاده از آن، چه آگاهانه و چه، ناآگاهانه، نشانه‌ها معنادار می‌شوند. از نظر پیرس نه فقط استدلال معمولی ما وابسته به ابداکسیون است، بلکه وقتی چیزی را تفسیر می‌کنیم نیز، از همین نوع استدلال استفاده می‌کنیم. آگاهی اندک اندک از زمینه ناآگاهی رشد می‌یابد. طبق دیدگاه پیرس، روش علوم طبیعی و روش علوم انسانی یکسان است. هر دو بدنبال بهترین تبیین و تفسیر هستند.

Symbol^{۳۱}

Rheme^{۳۲}

Dicentsign^{۳۳}

Arbument^{۳۴}

Possibility^{۳۵}

Dicent sign^{۳۶}

Fact^{۳۷}

Argument^{۳۸}

law^{۳۹}

deduction^{۴۰}

induction^{۴۱}

inference to the best explanation^{۴۲}

هر دو بر اساس ابداکسیون کار می‌کنند. این تفکر کاملاً بادیگاه رایج در روش هرمنوتیک که تفسیر متون را متفاوت از ارزیابی فرضیه‌های علمی می‌داند، مغایرت دارد.

ابداکسیون

نشانه‌شناسی پیرس چگونه این نشانه‌ها به مرحله‌ای می‌رسند که به انسان چیزی را نشان می‌دهند. پاسخ اصطلاح **ابداکسیون**^{۴۳} است. این اصطلاح به معنای وابسته بودن نشانه‌ها به همدیگر است. این وابستگی نوعی وابستگی منطقی است. فرض کنید بدنه مثلثی را از طرف یک گوشه آن داخل آب بگذاریم، در این صورت در اثر تماس آب با بدنه مثلث خط‌هایی در سطح آن ایجاد می‌شود. هر چه مثلث بیشتر در آب فرو رود، خط‌های بیشتری روی بدنه آن، ایجاد می‌شود. و آن خطی که حد فاصل بین سطح آب و بدنه مثلث است بزرگ‌تر از خطوط زیرینی خود که داخل آب هستند، می‌باشد. در این تمثیل طول خط‌ها نشانه مقدار آگاهی اندیشه‌هاست. حال فرض کنیم که خط ایجاد شده بر روی سطح مثلث اندیشه‌ای را نشان می‌دهد، بنابراین هر قدر طول این خط بیشتر باشد، نشان دهنده این نکته است که اندیشه بیشتری به آگاهی ما وارد شده و اگر طول خط کوچکتر باشد اندیشه از آگاهی کمتری برخوردار است. همان گونه که هر خطی در این مثلث وابسته به خط‌های زیرینش می‌باشد. اندیشه‌ها نیز به اندیشه‌های پیشینی وابسته هستند و تا بی‌نهایت. حال اگر بخواهیم مثلث را از آب بیرون بیاوریم، باید بی‌نهایت خط از آب بیرون بیاید، خط‌هایی که به خط‌های زیرین شان وابسته هستند؛ ولی سرانجام به نقطه پایان که گوشه مثلث است خواهیم رسید.

نتیجه‌گیری و خلاصه

Qualisign، اولیت و Sinsign ثانویت است. گروه‌های ۱ تا ۴ نمی‌توانند نشانه‌زبانی باشند؛ یعنی نمی‌توانند واژه‌های معنادار باشند. زیرا تفسیر کننده Qualisign نمی‌تواند بیش از یک احساس یا ادراک حسی باشد. Sinsign، ترکیبی از نشانه‌هاست، از این جهت که همیشه چیزی است که تجربه‌اش می‌کنیم و به چیزی اشاره می‌کند که از آن تجربه داریم. گروه‌های ۵ تا ۱۰ همگی Legisign دارند، ولی گروه ۵، ۶ و ۷ عددها، قراردادهای و قوانینی هستند که طبق آنها شمایل‌ها و نمایه‌ها به چیزهایی غیر از خودشان اشاره می‌کنند. گروه‌های ۸ و ۹ و ۱۰ نماد هستند. شعر در گروه ۸، تفسیر در گروه ۹ و نظریه در گروه ۱۰ قرار دارد.

1	Rheme	Icon	Qualisign	نمی‌توانند نشانه‌زبانی باشند؛ نمی‌توانند واژه‌های معنادار باشند.		
2	Rheme	Icon	Sinsign			
3	Rheme	Index	Sinsign			
4	Dicentsign	Index	Legisign			
5	Rheme	Icon	Legisign	شمایل‌ها و نمایه‌ها به چیزهایی غیر از خودشان اشاره می‌کنند.	عددها قراردادهای قوانین	همگی Legisign دارند،
6	Rheme	Index	Legisign			
7	Dicentsign	Index	Legisign			
8	Rheme	Symbol	Legisign	شعر	نماد	
9	Dicentsign	Symbol	Legisign	تفسیر		
10	Argument	Symbol	Legisign	نظریه		

مراجع

- احمدی، ب. (۱۳۹۴). *ساختار و تاویل متن*. تهران: مرکز.
- ایگلتون، ت. (بدون تاریخ). *پیش درآمدی بر نظریه ادبی* (نسخه ۲). (ع. مخبر، مترجم) تهران: نی.
- بودریار، لیوتار، واتیمو، دلوز، نگری، هارت، ... دریدا. (بدون تاریخ). *سرگشتگی نشانه‌ها (نمونه‌هایی از نقد پسا مدرن)*. (م. حقیقی، مترجم) تهران: مرکز.
- صفوی، ک. (بدون تاریخ). *از زبان‌شناسی به ادبیات* (نسخه ۳، جلد ۲). تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- فالرو، ر.، یاکوبسن، ر.، لاج، د.، & بری، پ. (بدون تاریخ). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. (م. خوزان، & ح. پاینده، مترجم) تهران: نی.
- محمودی، ف. (۱۳۸۶، زمستان). *از متن تا تصویر: زیبایی‌شناسی نشانه‌های تصویری با رویکردی به "گرنیکا"*. هنر و معماری، معماری و شهرسازی، ۳۲، ۹۳-۱۰۰.
- واینسهایمر، ج. (۱۳۹۳). *هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی* (نسخه ۱). (م. علیا، مترجم) تهران: ققنوس.